

افق امنیتی سوریه با فرض استمرار حضور نظامی آمریکا و ترکیه

علی آذری¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و سوم، شماره 3، پیاپی 91، پاییز 1401؛ صفحات 79 - 27

تاریخ پذیرش نهایی: 1401/07/15

تاریخ دریافت: 1401/06/22

چکیده

مجاورت سوریه با فلسطین اشغالی و موضع آشتی ناپذیر نظام سوریه نسبت به رژیم صهیونیستی، ارزش راهبردی و ژئوپلیتیک این کشور را افزایش داده است؛ به نحوی که پرونده سوریه همواره یکی از اولویت‌های دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین حامی دولتی رژیم صهیونیستی بوده است. همسایه شمالی سوریه، ترکیه، نیز پرونده‌های مختلفی را در سوریه پیگیری می‌کند. با گذشت بیش از ۱۱ سال از آغاز بحران سوریه و با توجه به شکست داعش و تثبیت اوضاع به نفع نظام سوریه، راهبرد بسیاری از بازیگران در قبال سوریه دچار تعدیل، تغییر یا تحول شده است. شناسایی و ارزیابی راهبرد بازیگران می‌تواند به پیش‌بینی تحولات آینده کمک کند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که چشم‌انداز امنیتی سوریه با فرض استمرار حضور نظامی آمریکا و ترکیه در سوریه چیست؟ یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد آمریکا برای تحقق اهداف خود در سوریه، راهبرد «افزایش اقدامات دیپلماتیک بر پایه پیروزی‌های نظامی مستمر» را با به‌کارگیری نیروهای نیابتی کردپایه برگزیده است. از سوی دیگر، کردها که ابزار آمریکایی‌ها در سوریه هستند، برای ترکیه خطر امنیت ملی به حساب می‌آیند و بهانه اشغال نظامی شمال این کشور، نظام سوریه را با اختلال حکمرانی در شمال و شرق این کشور مواجه می‌کند.

واژگان کلیدی

افق امنیتی، حضور نظامی، سوریه، آمریکا، ترکیه

مقدمه

۱. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی و مدرس دانشکده علوم و فنون امام علی (ع)

سوریه به‌عنوان یکی از کشورهای مهم و تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا از زمانی که در قالب یک کشور مستقل در نظام بین‌الملل مورد شناسایی قرار گرفت، به‌دلیل وزن بالای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود، در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داد؛ به‌نحوی که این ضرب‌المثل معروف در ادبیات سیاسی رایج شد که «هیچ صلحی بدون مصر و هیچ جنگی بدون سوریه به سرانجام نخواهد رسید». جمال عبدالناصر در اظهار نظری در مورد سوریه گفته است: «قلب ملت عرب همواره در دمشق خواهد تپید». موقعیت راهبردی سوریه در منطقه بیش از هر عامل دیگری بر اساس همسایگی با رژیم صهیونیستی تعیین می‌شود؛ به‌نحوی که «تیری دژاردن» معتقد است: «اگر اسرائیل نبود می‌توانستیم بگوییم که سوریه کشور کوچک بی‌تاریخی است و به‌زودی رستگار خواهد شد.»

بحران در سوریه، موجب صف‌بندی‌های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک میدان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در صورت‌بندی منافع و اپوزیسیون در سوریه شده است. تناقض نمای حضور سیاسی و نظامی آمریکا در بحران سوریه در دولت‌های دموکرات اواما و جمهوری‌خواه ترامپ که متأثر از راهبردهای امنیت ملی آمریکاست، مولود تصویرسازی ژئوپلیتیکی این کشور است که ریشه در تاریخ رسالت‌گونه این کشور دارد. منطقه شمال سوریه با هژمونی حزب اتحاد دموکراتیک از مناطقی است که حساسیت گروه‌های محلی، ملی و فرامنطقه‌ای را برای کنش در آن میدان برانگیخته است. با توجه به پیوستگی جغرافیایی کردهای سوریه که از کانتون جزیره شروع و به کانتون آفرین در نزدیکی دریای مدیترانه ختم شده و مرزهای جنوبی کشور ترکیه را نیز شامل می‌شود، در بحران سوریه، علاوه بر گروه‌های تروریستی مانند داعش، ایالات متحده نیز با توجه به پیوستگی آن به منابع انرژی و دریای آزاد و محلی برای چانه‌زنی با رقبای در این منطقه حضوری فعال دارد. گرچه ترامپ خروج نیروهای آمریکا را در این منطقه اعلام کرده بود، به نظر می‌رسد کارگزارانی جدید و از جمله کردها به‌عنوان سوژه‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی، اهداف آمریکا را در شمال سوریه عملیاتی می‌کنند. هرچند ترکیه بخش‌هایی از شمال سوریه را که کردها در آن خودگردانی داشته‌اند، اشغال کرده و همین امر سبب شده است آمریکایی‌ها از کردهای رانده‌شده نیروهای موسوم به قسد (SDF) را سازماندهی کرده و بیشتر اهداف خود را در قالب نیروهای نیابتی پیگیری کنند؛ به‌نحوی که در سوریه در حد نیروی مستشاری نظامی و امنیتی حضور داشته باشند و اکثر

پایگاه‌ها و نقاط نظامی - که از شمال شرق سوریه تا مرز تنف منسوب به آمریکایی هاست - در اختیار کرده‌ها قرار بگیرد.

ترکیه که در طول بحران سوریه نیز بخش زیادی از معارضان سوری را پشتیبانی کرده، در حال حاضر معارضان گفته‌شده را در قالب یک ساختار منسجم‌تر سازماندهی کرده است. ترکیه در میانه سال ۱۳۹۷ که سال هشتم بحران سوریه محسوب می‌شد، برخی از گروه‌های معارض سوریه را که بیشتر مشی سکولار داشتند یا از انگیزه‌های دینی متوسط برخوردار بودند، برای مقابله با تفوق میدانی مقاومت تحت سیطره یک فرماندهی به نام «ارتش جدید سوریه» سازماندهی کرد.

به‌طورکلی، فصائلی که توسط ترکیه در قالب «ارتش ملی سوریه» در کنار هم قرار گرفتند، همه فصائل در ادلب، لاذقیه، حماه، حلب غربی، عفرین و شمال حلب را شامل می‌شوند. با این حال، نگاه عمیق‌تر به فصائل پیش قابل تأملی را در مورد اجزای تشکیل‌دهنده ارتش ملی ارائه می‌دهد. در میان ۴۱ گروهی که به این ائتلاف (ارتش جدید سوریه) پیوستند، ۱۵ گروه از «جبهه آزادی ملی» و ۲۶ گروه از ارتش آزاد سوریه هستند. سیزده گروه از این ائتلاف، گروه‌های به اصطلاح معارضان معتدلی بودند که در گذشته، آمریکا از آنها حمایت می‌کرد، ولی در حال حاضر، حمایت‌های ایالات متحده قطع شده است.

با این وصف، می‌توان گفت بسیاری از گروه‌های مسلح که هویت قومی، مذهبی و سیاسی دارند و تبدیل به کارگزارانی ژئوپلیتیک شده‌اند، در پرتو حمایت‌ها و پشتیبانی آمریکا و ترکیه قرار دارند. گروه‌های مذکور با یکدیگر تضاد منافع نیز دارند و کشور سوریه را به خرده میدان‌های کوچکی تبدیل کرده‌اند که منافع گروهی - قومی را بر منافع ملی سوریه ارجح می‌دانند و منافع پشتیبانان خود را پیگیری می‌کنند که محیط امنیتی داخلی و خارجی سوریه را تحت تأثیر قرار داده و از نظر مؤلفه‌های امنیت ملی، سوریه را دچار اختلال کرده‌اند. لذا نظام سوریه در دوره پسابحران در تلاش است با ایجاد پیوستگی در کشور، یک امنیت یک‌پارچه ایجاد کند. مقاله پیش رو در تلاش است با فرض استمرار حضور نظامی آمریکا و ترکیه در سوریه، افق امنیتی این کشور را ترسیم کند.



تصویرسازی ژئوپلیتیکی بازتابی از بینش ژئوپلیتیکی یک کشور است که شامل کدهای ژئوپلیتیکی و مأموریت ملی می‌شود (Newman & Peters, ۲۰۰۲: ۱-۴). بینش ژئوپلیتیکی نیز عنصر اصلی و تعیین‌کننده کیفیت تصویرسازی ژئوپلیتیکی است که هدف نهایی آن، حفظ موقعیت و تهاجم مشروع است (Dijing, ۱۹۹۶: ۱۴۶). این دو مفهوم اصلی با مفصل‌بندی خاص، کد ژئوپلیتیک را به‌وجود می‌آورند. این کد به دولت‌ها اجازه می‌دهد که تحلیلی چند بعدی از گزینه‌های سیاسی در خارج و داخل ارائه دهند. دینامیزم این کدها، برآیندی از تعامل سیاست داخلی و بافت جهان در حال تغییر است. قدرت بیشتر یک دولت در سلسله‌مراتب بین‌الملل با توانایی ساختن کدهای ژئوپلیتیکی آن کشور و در مقیاس‌های منطقه‌ای و جهانی در ارتباط بوده، در نوسانات سیاست خارجی کشورها بسیار مهم است. هر دولتی کدهای ژئوپلیتیکی خود را دارد. این کدها زمان و فضا را تغییر می‌دهند و این فضا و مکان منجر به توسعه کدها می‌شوند. از سوی دیگر، این عوامل سیاسی و تاریخی ارتباط دولت را با گفتمان‌ها به‌وجود می‌آورند. در نتیجه، این عوامل تولیدکننده کدهای ژئوپلیتیکی هستند. کدهای ژئوپلیتیک مانند گفتمان‌ها پایدار نبوده، دائماً از دال به مدلول در حال حرکت‌اند. اما در عوض، به‌طور مستمر در پاسخ به رویدادهای در حال تحول کارگزاران تأثیرگذارند. این فرایند نمی‌تواند از مقیاس‌هایی که در آنها تحول رخ می‌دهد، حذف شود. در مورد ایالات متحده آمریکا باید گفت آنها در مقیاس ملی و جهانی، کدهای خود را توسعه می‌دهند. این توسعه محصول فعال عوامل مقیاس‌های مذکور است (Ray, ۲۰۰۷: ۱۰۰). این کدها در بافت‌های سیاسی بلندمدت دولت جای گرفته‌اند. هشت گفتمان که آمریکایی‌ها در ساختن کدهای ژئوپلیتیک خود از آن استفاده می‌کنند، شامل: هویت/تفاوت، نظم/بی‌نظمی، داخل/خارج، شرق/غرب، خود/دیگری، مثبت/منفی، خیر/شر و دیگری، شر، (Ray: ۱۰۰-۱۵۰). تسلط گفتمان‌های دوگانه فوق تفاسیری را به نخبگان سیاسی آمریکا می‌دهد که ویژگی‌های دوگانه رفتاری پر قدرتی داشته باشند. هر یک از این گفتمان‌ها در تعامل با هم و برای تقویت یکدیگر عمل می‌کنند. به‌طورکلی «گفتمان دوگانه» ایده مرکزی برای درک ژئوپلیتیک ایالات متحده آمریکا در دنیاست که «بی‌نظمی، خارج، شرق، دیگری، شر، منفی و تهدید» را کدهای ناامنی ژئوپلیتیکی خود می‌داند. سازه‌های هویتی آمریکا از «خود»، ریشه در تاریخ و ایدئولوژی استعمارگرایانه دارد. در حقیقت، آیین یک فرهنگ مربوط به یک مأموریتی است که می‌گوید یک فرهنگ مبتنی بر ایمان به یک فرایند است، فرآیندی که غایت



را به جای سلسله مراتب می‌نشانند و آرمان‌های یک جهان در حال سکون را به کنار و چشم‌انداز یک دنیای جدید را خلق می‌کند (Bercovitch, ۱۹۷۸: ۲۳). از فراز فوق می‌توان نتیجه گرفت که ملت آمریکا توسط خداوند انتخاب شده و دارای مأموریت در یک سرزمین مقدس است. او می‌گوید که اهمیت سرزمین مقدس در ارتباط با سرزمین‌های دیگر است که مقدس نیستند. بنابراین، تاریخ مقدس آمریکا به معنای فتح تدریجی سرزمین‌های دیگر است (Ibid: ۱۷۸). با توجه به نکته فوق، مفهوم بیانیه سرنوشت ظهور پیدا کرد. این مانیفست دربرگیرنده اعتقاد به خدادادی بودن سرزمین آمریکا به‌عنوان مردم و کشور و نقش آن برای گسترش فضیلت است که ابتدا گسترش سرزمینی خود کشور و سپس جهان است. کدهای جدید ژئوپلیتیکی آمریکا در خاورمیانه پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، نه ایدئولوژیک بلکه هژمونیک است. راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۲ با تصویرسازی ژئوپلیتیک، جهان را به دو بخش دوستان و دشمنان تقسیم کرد (Bush, ۶ November ۲۰۰۱). اما کد ژئوپلیتیکی جدید آمریکا یعنی «جنگ علیه تروریسم» شامل یک پروژه فراقلمرویی بود که برای جامعه جهانی توجیه نداشت. دکترین بوش این موضوع را تئوریزه کرد. پروژه خاورمیانه بزرگ و جنگ علیه تروریسم با هدف توجیه حضور آمریکا در منطقه و در دو بعد نرم و سخت و برای جلوگیری از تقلیل نقش هژمونیک آمریکا بود (Flint & Falah, ۲۰۰۴: ۱۳۷۹-۹۹). ولی باید توجه کرد که همین توجیه بخش کلیدی از یک کد ژئوپلیتیک است. بنابراین، ایجاد منطقه خاورمیانه بزرگ یک تصویرسازی ژئوپلیتیکی مبتنی بر یک فرضیه مدرن در دولت بوش، و به رویکرد رئالیسم تهاجمی بسیار نزدیک بود (Ganey & Gokcan, ۲۰۱۰: ۳۱). هدف این رویکرد نیز جلوگیری از ظهور رقیب یا ترکیبی از رقبای جدی برای ایالات متحده در منطقه خاورمیانه بود (Agnew, ۲۰۰۳: ۱۲۳). راهبرد بوش با همان کیفیت در دوره اوباما نیز ادامه یافت؛ با این تفاوت که نگاه اصلی از عراق به سوی پاکستان و افغانستان تغییر یافت (Ganey & Gokcan: ۳۴) و هم‌اکنون سوریه در تصویرسازی ژئوپلیتیکی آمریکا نقش بسزایی دارد.

آمریکا و کردهای شمال سوریه

به‌طور کلی برنامه اعلامی آمریکا برای حضور نظامی در شمال سوریه تا سال ۲۰۲۲ سه دلیل داشت: جلوگیری از حضور دوباره داعش، تأثیر حداکثری در دوران انتقال قدرت و جلوگیری از دسترسی ایران به مدیترانه (Balance, ۲۰۱۷). به همین علت، آمریکا دوهزار نیروی رزمی قسد (SDF) را در قالب نیروهای سوریه دموکراتیک و یگان‌های خلق کرد در منطقه شمال سوریه



مستقر کرده است. ترکیه همیشه با این تصمیم مخالفت کرده است. از سوی دیگر، بدون حمایت ترکیه، راهبرد آمریکا علیه ایران و سوریه به صورت جدی با چالش مواجه می‌شود.

ترکیه نمی‌خواهد قربانی آرمان‌گرایی غربیان و مفاهیمی، مانند حق تعیین سرنوشت مندرج در منشور سازمان ملل شود (Balanchi, ۲۰۱۸: ۳). با این نگاه، هدف آمریکا از استفاده از کردها، اهرمی علیه نظام سوریه و ایران است؛ زیرا خروج آنها از ائتلاف با آمریکا، این نیروها را به سوی ایران و روسیه سوق خواهد داد (Balanchi, ۲۰۱۸: ۷). گرچه باید گفت تاریخ سیاسی کردها همیشه با نگرش چپ و سوسیالیستی همراه و ائتلاف آمریکا با کردها نیز تاکتیکی بوده است. بنابراین، کردهای چپ‌گرای سوریه بخشی از قلمرو ایدئولوژیکی چپ‌گرا هستند؛ همان‌طور که در مانیفست حزب کارگران کردستان ترکیه گرایش به مارکسیسم - لنینیسم به وضوح دیده می‌شود. با وجود این، وزیر وقت امور خارجه آمریکا در ژانویه ۲۰۱۸ اعلام کرد که نیروهای امریکا تا سال ۲۰۲۲ در شمال سوریه باقی خواهند ماند (Tillerson, ۲۰۱۸). شاید بتوان گفت هم‌راستا با سیاست‌های اسرائیل، حضور راهبردی نیروهای آمریکایی در شمال سوریه و گذرگاه تنف در جنوب سوریه، بزرگ‌ترین محدودیت علیه ایران برای دسترسی به کریدور مدیترانه است. آمریکایی‌ها بر این باورند که کریدور ایرانی مدیترانه به مثابه یک هلال شیعی نیاز به یک بازمهندسی دموگرافیک دارد و تغییر در دموگرافی مناطق شمال غرب عراق و شرق سوریه با جمعیت غالب عرب سنی، مشکلات فرقه‌ای آینده منطقه را رقم خواهد زد (Balanch, ۲۰۱۸: ۹). آمریکا هم‌سو با منافع اسرائیل از گزینه‌هایی مانند سوریه منسجم و سوریه با اسلام سیاسی در هراس و برای گسست در این نحله‌ها، با نگاهی ابزارگرایانه در کوتاه‌مدت از کردها دفاع می‌کند. بنابراین، در حال حاضر، یک دموکراسی سکولار و تعمیق شکاف‌های قومی گزینه مطلوب آمریکا در سوریه است. اما خوانش سیاست روسیه در سوریه و مشخصاً مناطق کردنشین، بعدی ژئوپلیتیکی دارد که علاوه بر فشار علیه ترکیه توسط کردها، خواهان دسترسی آسان به سواحل مدیترانه‌ای و منطقه شامات است. به علاوه، فعالان کردستان سوریه طرفدار یک دموکراسی لیبرال‌اند و در پی جست‌وجوی حمایتی میان روشن‌فکران غربی و نهادهای حکومتی هستند (Sofie, ۲۰۱۷: ۱۸). این موضوع باعث سمپاتی نیروهای غربی از آنها شده است. آمریکایی‌ها در این راستا اذعان می‌دارند که قطع حمایت آنها در نیروهای قسد (SDF) تبعات ذیل را به بار خواهد آورد:

- گشودن مسیر جدیدی برای ترکیه و اپوزیسیون همراه با آن برای حمله به یگان‌های دفاعی کرد؛

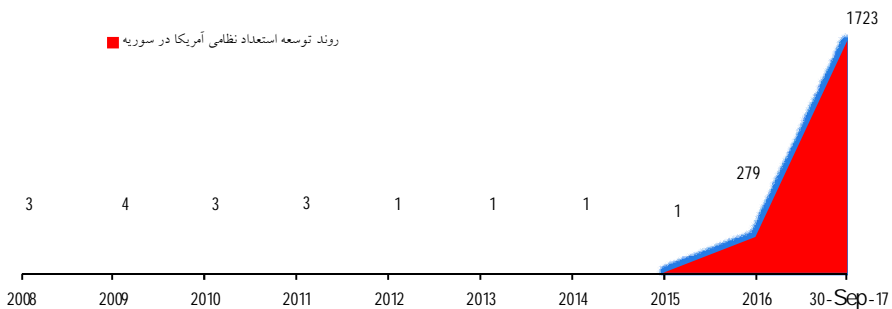
- تغییر در دموگرافی و جغرافیای منطقه شمال سوریه علیه کردها؛

- تغییر فضای ذهنی مبارزان کنشگر در درون جریان قوای سوریه دموکراتیک به منظور مبارزه مجدد با گروه‌هایی مانند داعش؛

- احتمال نزدیکی کردها به نظام سوریه علیه ترکیه و اپوزیسیون سوریه (Yeslatah, ۲۰۱۸: ۳).

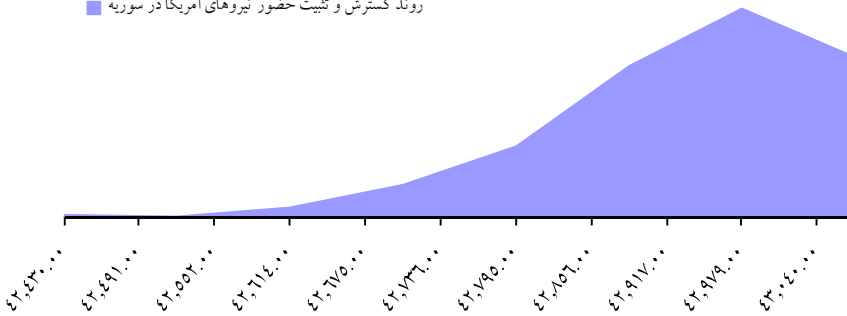
استعداد نظامی آمریکا در سوریه

ایالات متحده اجرای ترتیبات اعاده انتظارات آمریکا در سوریه را مستلزم حفظ سطحی از حضور نظامی در خاک این کشور کرده است. بنابراین، کمیت و کیفیت حضور نظامی آمریکا در سوریه و برنامه احتمالی برای تغییر سطح حضور نظامی در سوریه از اهمیت بالایی برخوردار است. بررسی داده‌های موجود در مرکز اطلاعات نیروی انسانی وزارت دفاع آمریکا^۱ از شهریور ۱۳۸۷ تا شهریور ۱۳۹۶ حکایت از این دارد که ایالات متحده هیچ‌گاه حضور مستشاران نظامی خود در سوریه را قطع نکرده است. بررسی این اطلاعات حاکی از این است که از سال ۱۳۹۰ به بعد، همواره یک مأمور فعال از ارتش آمریکا در سوریه حضور فیزیکی داشته است. روند حضور مستشاران وزارت دفاع آمریکا در سوریه از تیر ۱۳۹۵ افزایش تصاعدی داشته و بعد از نابودی مرکز ثقل داعش در رقه، این روند سیر نزولی خود را آغاز کرده است.



مرکز اطلاعات نیروی انسانی وزارت دفاع آمریکا تا زمان انتشار این گزارش، آماری در ارتباط با استعداد واحدهای نظامی در سه ماهه چهارم سال ۱۳۹۶ منتشر نکرده است. اما بر اساس گزارش سرهنگ دوم جان گورمن، سرپرست توپخانه نیروهای مشترک در عملیات عزم ذاتی، می‌توان تخمین زد که در آستانه سال ۱۳۹۶، حضور ۱۳۲۳ نفر از نیروهای جمعی وزارت دفاع آمریکا همچنان در سوریه حفظ شده است. این ادعا ناظر به مشارکت ۴۰۰ نفر از نیروهای رسیده توپخانه در سپاه تفنگداران است که از روز ششم ژوئن تا ۲۸ مهر ۱۳۹۶ در روند آزادی رقه، از جبهه دموکراتیک سوریه پشتیبانی آتشباری داشتند و روز نهم آذر ۱۳۹۶ (۳۰ نوامبر ۲۰۱۷) خاک سوریه را ترک کردند.

روند گسترش و تثبیت حضور نیروهای آمریکا در سوریه



بعد از ۸ مهر ۱۳۹۶ که استعداد نیروی انسانی ایالات متحده در سوریه ۱۳۲۳ نفر برآورد شد، ایالات متحده دیگر هیچ آمار رسمی اعلام نکرد و اکنون در سال ۱۴۰۱ پرسنل آمریکایی که در سوریه حضور دارند، بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ نفر گمانه‌زنی می‌شوند که به حمایت و مشاوره نیروهای دموکراتیک سوریه می‌پردازند. منابع رسانه‌ای و اندیشکده‌ای در آمریکا بر این باورند که سوریه مانند افغانستان نیست و در سال ۱۴۰۰ تغییری در برنامه آمریکا نسبت به حضور نظامی‌اش در سوریه رخ نداده است. مضاف بر اینکه در بودجه دفاعی ایالات متحده برای فرماندهی سنتکام ۲۹۷/۳ میلیون دلار برای جذب و به‌کارگیری ۲۶۶۳ نفر نیروی نیابتی (فسد) در سوریه برای نیل به اهداف پنج‌گانه در نظر گرفته شده است (۸۴: ۲۰۲۲، Office of the Defense).



پایگاه‌های نظامی و انبارهای مهمات آمریکا در سوریه

یک دسته از شواهد عینی که می‌توان با استناد به آنها سطح عزم ایالات متحده برای تداوم حضور در سوریه را تخمین زد و به تبع آن، افق امنیتی سوریه را با حضور آمریکایی‌ها ترسیم کرد، تعداد و موقعیت جغرافیایی و قابلیت توسعه کیفی نقاطی است که آمریکا به‌عنوان پایگاه در سوریه انتخاب کرده است. گفتمنی است اطلاعات این بخش صرفاً مبتنی بر اعلام رسمی ائتلاف یا وزارت دفاع آمریکا نیست و از منابع مختلف استفاده شده است. پایگاه‌های نامبرده به‌طور خاص مربوط به آمریکاست و شامل نیروهای دموکراتیک سوریه نمی‌شود. معمولاً در رسانه‌ها پایگاه‌های مربوط به نیروهای دموکراتیک SDF را که چند مستشار آمریکایی در آن حضور دارند، به‌عنوان پایگاه‌های آمریکا معرفی می‌کنند. در حال حاضر، نیروهای آمریکایی در ۴ پایگاه متمرکزند.

جدول ۱: پایگاه‌های نظامی و انبارهای مهمات آمریکا در سوریه

محدوده	کاربری	شرح	برآورد ویژگی
رمیلان	فرودگاه بالگرد	فرودگاه احیاشده زراعی به طول 1400 متر با استناد به تصاویر هوایی موجود از این پایگاه می‌توان استدلال کرد که آمریکا در حال برنامه‌ریزی برای تبدیل آن به یک فرارگاه دائمی است.	در حال کاربری
العربیه	فرودگاه بالگرد	60 کیلومتری جنوب غرب مالکیه، طول باند فرود از 750 به 1250 متر ارتقا یافته است.	در حال کاربری
صرین	پایگاه نظامی	ساخت این پایگاه از ابتدای سال 2017 همراه با یک باند فرودگاه در مجاور آن آغاز شده است. این پایگاه در 90 کیلومتری شمال شهر صرین و در نزدیکی روستاهای سبت الفوقانی، سبت التحتانی و سبت الهنکو واقع شده است.	در حال حاضر بدون استفاده
بین تل بیدر و تل تمر	پایگاه نظامی	یک باند بزرگ فرود هواپیما در آن تأسیس و راه‌اندازی شد. محموله‌های بزرگی وارد این فرودگاه می‌شد.	در حال حاضر بدون استفاده است.
تل بیدر	فرودگاه بالگرد	یک فرودگاه کوچک با طول باند 360 متر	در حال کاربری
رمیلان	انبار مهمات	این انبار تأمین‌کننده تسلیحات سنگین، زرهی و تانکرهای سوخت در کرانه فرات است. فرماندهی منطقه مرکزی وزارت دفاع آمریکا این اقلام را از طریق اربیل و مرز سیمالکا به سه انبار دیگر در درباسیه، تل بیدر و دیریک منتقل و توزیع می‌کند. بخشی از تسلیحات این	انبار مادر

محدوده	کاربری	شرح	برآورد ویژگی
		انبار توسط حزب اتحاد دموکراتیک کردستان به دو انبار اصلی دیگر در خراب عشک و الجلیبه در حومه کانتون کوبانی حمل می‌شوند. این دو انبار، محل ورود بخشی از تسلیحات و لجستیک لازم برای کرانه فرات هستند که از راه حمل هوایی به پایگاه بزرگ صرین منتقل می‌شوند.	
التف	فرودگاه بالگرد	آغاز استقرار از 30 آوریل 2017	در حال کاربری
	پایگاه نظامی		
	دپوی تسلیحات		
خبره الزقف	پایگاه چند منظوره	محل استقرار گشت‌های صحرایی و استحصال آب از چاه عمیق	در حال حاضر بلا استفاده است.

پایگاه‌های نیروهای دموکراتیک SDF تحت مستشاری ایالات متحده

نیروهای نیابتی ایالات متحده (نیروهای دموکراتیک SDF) در ۲۸ موقعیت نظامی و سه استان حسکه، دیرالزور و حمص مستقر هستند.

جدول ۲: پایگاه نیروهای نیابتی ایالات متحده

نام موقعیت	نوع موقعیت نظامی	استان
هیمو	پایگاه نظامی	حسکه، شمال غرب استان
روباریا	پایگاه نظامی	حسکه، شمال شرق استان
قحطانیه	پایگاه نظامی	حسکه، شمال استان
تل عدس	نقطه نظامی	حسکه
رمیلان	پایگاه نظامی در کنار پایگاه آمریکایی قرار دارد	حسکه، شمال شرق استان
الیعربیه	پایگاه نظامی	حسکه، شمال شرق استان
تل براک	پایگاه نظامی	حسکه، مرکز استان
تل بیدر	پایگاه نظامی	حسکه، شمال غرب استان
جبل الغول	پایگاه نظامی	حسکه، شمال غرب استان
منتجع لایف ستون	پایگاه نظامی	حسکه، غرب استان
استراحه الوزیر	پایگاه نظامی	حسکه، غرب استان
جبل عبدالعزیز	پایگاه نظامی	حسکه، غرب استان
سوامع صباح الخیر	پایگاه نظامی	حسکه، جنوب استان

نام موقعیت	نوع موقعیت نظامی	استان
سد الخابور	پایگاه نظامی	حسکه، جنوب استان
الشدادی	پایگاه نظامی	حسکه، جنوب استان
الرویشد	نقطه نظامی	دیرالزور، شمال استان
الصور	پایگاه نظامی	دیرالزور، شمال استان
کونیکو	پایگاه نظامی	دیرالزور، مرکز استان
حقل العمر	پایگاه نظامی	دیرالزور، شرق استان
حقل التک	پایگاه نظامی	دیرالزور، شرق استان
هجين	نقطه نظامی	دیرالزور، جنوب شرق استان
حق الکشمه	پایگاه نظامی	دیرالزور، جنوب شرق استان
السوسه	پایگاه نظامی	دیرالزور، جنوب شرق استان
الباغوز	پایگاه نظامی	دیرالزور، جنوب شرق استان در نوار مرزی با عراق
الزکف	پایگاه نظامی	حمص، جنوب استان
تف	پایگاه نظامی	حمص، جنوب استان در کنار پایگاه آمریکایی‌ها قرار دارد.

روابط ترکیه و سوریه

روابط ترکیه با سوریه در دهه ۹۰ و دهه ابتدایی قرن بیستم متأثر از حاکمیت بر استان هاتای (اسکندرون) و حضور حزب کارگران کردستان ترکیه به شدت در نوسان بوده است. در ابتدای دوران بشار اسد، روابط بین دو کشور رو به توسعه بود، ولی در ابتدای بحران سوریه، ترکیه در ابتدا اسد را تشویق به اصلاحات کرد، ولی با وخامت اوضاع در سوریه، خواهان تغییر رژیم شد. این موضوع در ابتدای سال ۱۳۹۱ که ائتلاف دوستان سوریه را به وجود آورد و عملاً اجازه سازماندهی به ارتش آزاد سوریه را داد، تبلور یافت. ترکیه در سال‌های اخیر نه تنها نقش مهم، بلکه بیشترین تأثیر را در ساماندهی نیروهای سنی مخالف نظام سوریه ایفا کرده است. البته در طرف مقابل، اپوزیسیون مدنی غیراسلامی، ترکیه را به فرقه‌ای کردن اپوزیسیون و میلیتاریزه کردن تعارض متهم کرده‌اند. با این نگاه، ترکیه نقش مهمی را در حمایت از اپوزیسیون سنی و مدیریت تعارض این اپوزیسیون در سوریه داشته است (Aita, ۲۰۱۴: ۶۷). در این بین، ترکیه تنها از گروه‌هایی حمایت کرده است که بر عربی

کردن سوریه و انسجام سرزمینی سوریه بعد از اسد تأکید دارند. در این زمینه، شورای ملی سوریه با حمایت ترکیه و در شهر استانبول تشکیل شد. ترکیه همچنین حمایت قاطعی را از تشکیل ارتش آزاد سوریه به عمل آورد. با خیزش اپوزیسیون سنی میانه‌رو و تضعیف ارتش آزاد، ترکیه خود را متعهد به حمایت و همکاری با گروه‌های سلفی و جهادی و به‌طور مشخص با احرار الشام کرد (Weiss, ۲۰۱۲: ۲۱).

ترکیه و مسئله پ.ک.ک در سوریه

حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در اوایل دهه ۱۹۷۰ به رهبری عبدالله اوجالان (آپو) در آنکارا تأسیس شد و بعد از نقل مکان به مناطق کردنشین در جنوب شرقی ترکیه، از تاریخ ۶ آذر ۱۳۵۷ به‌طور رسمی با این نام به فعالیت ادامه داد. پ.ک.ک با ایدئولوژی رادیکال مارکسیستی، درگیری با دولت ترکیه برای استقلال‌طلبی را آغاز کرد. در نتیجه، از سال ۱۳۵۹ اعضای پ.ک.ک یا به زندان و اعدام محکوم شدند یا به کردستان سوریه گریختند. دولت سوریه از این حزب به‌عنوان اهرم فشار در اختلافات دو کشور استفاده و تلاش کرد مسئله کردهای سوریه را نیز ذیل همین رویکرد به ترکیه منتقل کند. حافظ اسد به این حزب در خاک سوریه و مناطقی از لبنان که تحت کنترل ارتش سوریه بود، پناه داد. نیروهای پ.ک.ک در شمال دمشق و پایگاه معصوم کرکمز در دره بقاع لبنان توسط گروه‌های مسلح فلسطینی و به‌خصوص جبهه دموکراتیک، آموزش‌های چریکی داده شدند و عملیات نظامی علیه دولت ترکیه را از آگوست ۱۳۶۳ آغاز کردند (۱۲: ۲۰۱۳، Crisis Group Middle East Report (N°۱۳۶)).

دولت سوریه به پ.ک.ک اجازه تأسیس دفتر در دمشق، قامشلی، دریک، درباسیه، رأس‌العین، عفرین، حلب و حسکه داد. به موازات آن، تغییر موازنه بین کردی را به‌واسطه سرکوب احزاب کرد وابسته به جناح بارزانی (دموکرات کردستان عراق) و ایجاد رقابت و تنش بین پ.ک.ک و احزاب دموکرات و اتحاد میهنی کردستان عراق (یکیتی) در دست‌ورکار خود قرار داد. نتیجه این روند نفوذ عمیق پ.ک.ک در جامعه کردی سوریه بود. چنان‌که برآورد می‌شود بین ۷ تا ۱۰ هزار کرد سوری به‌دلیل مشارکت در درگیری‌های چریکی با ترکیه به نفع پ.ک.ک کشته یا ناپدید شده باشند (۷۷-۷۶: ۲۰۰۹، Tejel).

این تعداد به‌طور واضح با اجازه دولت سوریه توسط پ.ک.ک نام‌نویسی شده بودند تا به‌جای خدمت اجباری سربازی در ارتش سوریه، برای پ.ک.ک در ترکیه بجنگند. این روند تا سال ۱۳۷۷ که دولت ترکیه، سوریه را به اقدام نظامی در خاک این کشور تهدید کرد،

ادامه پیدا کرد. بعد از توافق دو دولت بخش زیادی از رهبران پ.ک.ک توسط حکومت سوریه به ترکیه تحویل داده شدند و نیروهای مسلح رسمی این گروه در سوریه به ۱ تا ۱۰ سال زندان در این کشور محکوم شدند (Tejel, ۲۰۰۹: ۷۶-۷۷).

پس از انعقاد پیمان آدنا در سال ۱۳۷۸ بین سوریه و ترکیه، پ.ک.ک مرکز فرماندهی خود را به کوهستان قندیل در خاک عراق منتقل و دولت سوریه، پ.ک.ک را مجبور به ترک خاک این کشور کرد.^۱ «اوجالان» رهبر پ.ک.ک پس از اخراج از سوریه در سال ۱۳۷۸ در کنیا دستگیر و به دولت ترکیه تحویل داده شد و پ.ک.ک روز دوم آگوست همان سال با دولت ترکیه آتش بس اعلام کرد. پ.ک.ک در سال ۱۳۸۲ بعد از اعلام آتش بس یک جانبه با ترکیه، با دو هدف حفظ پایگاه در سوریه و نگهداری هزاران عضو و هوادارش، اقدام به تأسیس یک حزب جدید در سوریه با نام حزب اتحاد دموکراتیک^۲ کرد (Tejel, ۲۰۰۹: ۷۶-۷۷).

در طول این روند، پ.ک.ک در بسیاری از کشورها در فهرست سیاه قرار گرفت و در دوم آوریل ۱۳۸۲، شورای اتحادیه اروپا این سازمان را به فهرست سازمان‌های تروریستی اضافه کرد. در همان سال، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده نیز دارایی‌های شاخه‌های این سازمان را مسدود کرد. اما حزب اتحاد دموکراتیک از این روند مصون ماند. پ.ک.ک ساختارهای موازی دیگری در سوریه ایجاد کرد که حزب اتحاد دموکراتیک مرکز ثقل همه

۱. توافق آدنا از سوی اغور زیال، معاون وقت وزیر امور خارجه ترکیه، و همتای سوری وی، سرلشکر عدنان بدرالدین الحسن، پس از دو روز مذاکره در تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۷۷ به امضا رسید. در این متن به تعهد سوریه برای رفع نگرانی‌های امنیتی ترکیه اشاره و تصریح شده است که ترکیه به‌دقت بر پای‌بندی و تعهد طرف سوری بر اجرای تعهدات نظارت خواهد کرد. بر اساس متن سند آدنا، «عمر موسی» وزیر امور خارجه مصر از سوی «حسنی مبارک» رئیس‌جمهور وقت و «کمال خرازی» وزیر امور خارجه از طرف سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت، جمهوری اسلامی ایران در جلسات روزهای ۲۷ و ۲۸ مهر ۱۳۷۷ که به امضای توافق آدنا ختم شد، حضور داشتند و درباره همکاری برای مبارزه با تروریسم مذاکره کردند. توافق آدنا پس از توافق جدید بین ولید معلم، وزیر خارجه سوریه، و احمد داود اغلو، وزیر وقت امور خارجه ترکیه، در روز ۳۰ آذر ۱۳۸۹ حول مبارزه با گروه‌های تروریستی به‌روزرسانی شد. این توافق روز ۱۰ تیر ۱۳۹۰ به تصویب هیئت وزیران رسید و روز ۲۰ بهمن ۱۳۸۹ توسط کمیسیون روابط خارجی پارلمان ترکیه تصویب شد. اردوغان نیز ۲۶ اسفند ۱۳۸۹ این توافق را امضا کرد. براساس بند ۲۳ از توافق جدید، اعتبار آن سه سال تعیین شده بود و پس از انقضا نیز به مدت سه سال تمدید می‌شد و هر دو طرف متعهد به عدم خروج از آن بودند. مگر آنکه ۹۰ روز قبل از خروج، طرف مقابل را از تصمیم خود مطلع سازند. تا زمان اعلام دوباره پای‌بندی به پیمان آدنا هیچ یک از دو طرف سوری و ترک خروج از این پیمان را اعلام نکردند. سوریه و ترکیه از آذر تا اسفند ۱۳۸۹ توافق توسعه‌یافته‌تری برای مبارزه مشترک با گروه‌های تروریستی امضا کردند که مبنای آن، توافق آدنا بود.

آنها بود. برای مثال، از سال ۱۳۸۳ شورای مردمی کردستان غربی^۱ و اتحادیه مردمی کردستان^۲ که توسط فرماندهی پ.ک.ک در قندیل هدایت می‌شدند، در سوریه اقدام به تأسیس شاخه کردند. پ.ک.ک روز هفتم ژوئیه ۱۳۸۹ جنبش دیگری به نام جامعه دموکراتیک در کردستان روژاوا^۳ تأسیس کرد^۴ (Ileana, Van Wilgenburg, Hossino, ۲۰۱۲: ۹).

از تیر ۱۳۹۰، دولت مرکزی پس از مذاکره با حزب اتحاد دموکراتیک، عقب‌نشینی نیروهای ارتش و امنیتی از مناطق کردنشین در شمال سوریه را آغاز کرد. دولت مرکزی سوریه با اطمینان از این روند که حزب اتحاد دموکراتیک کردستان به روند براندازی نخواهد پیوست، تمرکز خود را بر سایر جبهه‌ها منتقل کرد و در عین حال، به واسطه حمایت لجستیک، اطلاعاتی و تسلیحاتی شرایط تغییر موازنه را به نفع حزب در شمال سوریه فراهم ساخت. بنابراین، حزب پس از تسلط بر این مناطق، از روز ۲۲ آبان ۱۳۹۲ در بخش اعظم استان حسکه^۵ (جزیره) و شهرهای عفرین و عین‌العرب (کوبانی) در استان حلب دولت موقت تشکیل داد و در سال ۱۳۹۳ بر شمال سوریه کاملاً تفوق یافت (سنایی و آزاد، ۱۳۹۵: ۴۱-۳۸).

تشکیلات خودمدیریتی دموکراتیک در کردستان سوریه، دو شورای قانون‌گذاری و قضایی و یک کمیته عالی انتخابات در رأس هرم اداری و یک شورای اداری در هر کانتون تشکیل داد که هر یک از آنها از ۲۰ هیئت برای رسیدگی به امور مختلف تشکیل شدند.

۱. EncûmenaGel ya Rojavayê Kurdistanê

۲. Koma Civakên Kurdistan (KCK)

۳. Tevgera Civaka Demokratîk a RojavayêKurdistan, TEV-DEM

۴. این سیستم درهم‌تنیده ابزاری برای پنهان نگه داشتن نقش پ.ک.ک در کردستان سوریه بود، اما در واقع این شبکه، به واسطه طیفی از فرماندهان پ.ک.ک اداره می‌شود. ظیر حاجی منصور و جمشید عثمان یک کرد ایرانی و از فرماندهان نظامی در حسکه (جزیره) و تل ابیض، حوّل کمال از فرماندهان نظامی در عفرین، زوحات کوبانی مسئول امور دیپلماتیک در اروپا و نواف خلیل پل ارتباطی با اروپا در بروکسل بلژیک نمونه افرادی بودند که از پ.ک.ک در ساختار تصمیم‌گیری حزب اتحاد دموکراتیک کردستان مشارکت داشتند. شاهین جالو که فرماندهی کل نیروهای نظامی سوریه نیز یک عضو مشترک بین پ.ک.ک و حزب اتحاد دموکراتیک کردستان بود که سال‌ها نماینده پ.ک.ک در اروپا و عضو کمیته مرکزی این حزب را عهده دار بود. عمر حسین جالوش مأمور و نماینده سیاسی این حزب در عین‌العرب (کوبانی) و همه فرماندهان نظامی در این شهر قبل از آغاز اعتراضات عمومی در سوریه از اعضای پ.ک.ک بودند. شیار هولدز، الدر خلیل و الهام احمد همگی از کردهای دارای تابعیت ترکیه و اعضای پ.ک.ک هستند که کادر فرماندهی حزب در عین‌العرب و نمایندگی آن در شورای عالی کرد را به عهده دارند. ردور خلیل، سخنگوی نیروهای حمایت خلق شاخه نظامی حزب، نیز سابقه یک دهه جنگ برای پ.ک.ک را در کارنامه خود دارد.

۵. ارتش سوریه حضور خود را در مناطق محدودی نظیر شهر قامشلو، بخش زیادی از شهر حسکه و محدوده استقرار تیپ توپخانه ۵۶۴ حفظ کرد.

تشکیل واحدهای منسجم و سازمان یافته نظامی و امنیتی - اطلاعاتی در هر کانتون یکی از نقاط عطف عملکرد حزب اتحاد دموکراتیک کردستان بود. حزب اتحاد دموکراتیک بعد از شورش ۱۳۸۳ قامشلی، در برخی روستاها هسته‌های نظامی ایجاد کرد که بقای آن در قالب «جنبش جوانان انقلاب»^۱ حفظ شد. چنین هسته‌هایی بعد از سال ۱۳۹۰، امکان سازماندهی سریع و گسترده شبکه نظامی - امنیتی حزب را فراهم کردند. ریزان کلو، رئیس مشترک هیئت دفاع و حمایت ذاتی در اقلیم جزیره، هدف از تشکیل این ساختارهای نظامی را بنای یک ارتش رسمی منظم اعلام کرد که باید دارای سطح دقیقی از آموزش و انضباط باشد. واحدهای اطلاعاتی - امنیتی با نام آسایش روزاوا^۲ بعد از خروج نیروهای ارتش سوریه از مناطق کردی در کوبانی، رمیلان و مالکیه (دیریک) از اول آبان ۱۳۹۱ شکل گرفتند. پلیس راهنمایی و رانندگی، نیروهای مبارزه با تروریسم، آسایش زنان، امنیت ایست و بازرسی، سازمان امنیت کل و شاخه مبارزه با جرائم سازمان یافته، واحدهای زیرمجموعه آسایش هستند (ملارشید، ۲۰۱۷: ۴۰-۲۶).

روند ایجاد و توسعه سازوکارهای خودمدیریتی دموکراتیک تا سال ۱۳۹۴ به خودی خود برای ترکیه یک تهدید بالقوه به شمار می‌رفت. اما همکاری و هم‌پیمانی حزب اتحاد دموکراتیک با ائتلاف بین‌المللی راه عزم ذاتی^۳ مسئله را پیچیده‌تر کرد.^۴ آمریکا به‌عنوان فرمانده ائتلاف عزم ذاتی از ابتدای همکاری با حزب اتحاد دموکراتیک از سوی دولت ترکیه مورد انتقاد شدید قرار گرفت^۵ و به همین دلیل، برای رفع نگرانی ترکیه نمایه‌ای از

۱. حرکت شبیه الثوره

۲. Asayîsha Rojava

۳. Inherent Resolve

۴. ائتلاف عزم ذاتی از روز ۴ نوامبر ۲۰۱۵ ساختاری به نام نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه ایجاد کرد که از ۱۸ گروه تشکیل شده بود که استعداد آن براساس اعلام ژنرال دانفورد، رئیس ستاد ارتش آمریکا، معادل ۵۰ هزار نفر بود. دانفورد ادعا کرد که حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر از این استعداد را اعراب تشکیل می‌دهند و از ظرفیت جبهه دموکراتیک سوریه برای نابودی مرکز ثقل فیزیکی داعش در سوریه (رقه) و آزادی باقی‌مانده قلمرو این سازمان در دیرالزور استفاده خواهد شد.

۵. بین ژوئیه ۲۰۱۴ تا ژانویه ۲۰۱۶، ۵۳۰ نفر از اعضای پ.ک.ک در میدین نبرد سوریه کشته شدند که ۴۲۶ نفر از آنان مرد و ۱۰۴ نفر نیز زن بودند. ۷۰ درصد از این کشته‌شدگان از اتباع ترکیه و ۳۰ درصد نیز از اتباع عراقی پ.ک.ک بودند. ظیر حاجی منصور و جمشید عثمان یک کرد ایرانی و از فرماندهان نظامی در حسکه (جزیره) و تل ابیض، حوّل کمال از فرماندهان نظامی در عفرین، زوحات کوبانی مسئول امور دیپلماتیک در اروپا و نواف خلیل پل ارتباطی با اروپا در بروکسل بلژیک نمونه افرادی بودند که از پ.ک.ک در ساختار تصمیم‌گیری حزب اتحاد دموکراتیک کردستان مشارکت داشتند. شاهین جالو، فرماندهی کل نیروهای نظامی سوریه، نیز یک عضو

یک ساختار مرکب از همه قومیت‌های ساکن در شمال سوریه به نمایش گذاشت و به‌خصوص بر جذب عضو از قبایل عرب تأکید کرد. وزارت دفاع آمریکا تلاش کرد تا اثبات کند حدود نیمی از نیروهای جبهه دموکراتیک را اعراب تشکیل می‌دهند. اما واقعیت این بود که عرب‌ها حداکثر یک‌ششم از استعداد این ساختار (۵۰ هزار نفر) را تشکیل داده بودند (Clawson, 2016: 10).

ترکیه به‌رغم پشتیبانی مادی و معنوی از معارضان عرب سوریه، هیچ‌گاه در حمایت از آنان به‌طور مستقیم وارد کارزار نظامی با دولت مرکزی و ارتش سوریه نشد، اما به‌دلیل تأثیرگذاری شدید کنش حزب اتحاد دموکراتیک بر امنیت ملی ترکیه، به‌رغم مخالفت آمریکا با استفاده از فقدان اقتدار مرکزی در شمال سوریه مداخله نظامی برای تأمین امنیت ملی خود را آغاز کرد و در نهایت، این روند را با ارائه طرح منطقه امن ادامه داد. مداخله نظامی ترکیه با چالش‌هایی نظیر: فقدان مشروعیت حقوقی و عدم حمایت بین‌المللی و به‌خصوص آمریکا روبه‌رو شد. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که در نهایت، با بازگشت تدریجی اقتدار دولت مرکزی، ترکیه مجبور به ترک مناطق تحت کنترل در شمال سوریه شود (آزاد و ابراهیمی فر، ۲۰۲۲: ۱۳۹۷). اما تا زمان نگارش این مقاله (سال ۱۴۰۱) آمریکا به بهانه نیروهای دموکراتیک (قسد) شمال سوریه را در اشغال خود دارد. البته ترکیه در مواضع اعلامی خود هدف از اشغال شمال سوریه را مبارزه با کردها و تهدید امنیت ملی خود اعلام کرده است. همچنین در مناطق اشغالی مشغول به اشاعه و گسترش فرهنگ و هویت ترکی است و در این زمینه، اقدام به تأسیس مراکز فرهنگی و دانشگاهی کرده است (Euua, 2022: 126).

حضور نظامی ترکیه در سوریه

آمریکا از روز ۲۷ مهر ۱۳۹۳ در چارچوب ائتلاف، ارسال هوایی تجهیزات نظامی سبک برای نیروهای دفاع از خلق در کوبانی را آغاز کرد. این روند با اعتراض شدید ترکیه مواجه شد. ترکیه پس از تشکیل جبهه دموکراتیک سوریه و تسلیح و آموزش نیروهای دفاع از خلق،

مشترک بین پ.ک.ک. و حزب اتحاد دموکراتیک کردستان بود که سال‌ها نمایندگی پ.ک.ک. در اروپا و عضو کمیته مرکزی این حزب را عهده‌دار بود. عمر حسین جالوش، مأمور و نماینده سیاسی این حزب در عین‌العرب (کوبانی) و همه فرماندهان نظامی در این شهر قبل از آغاز اعتراضات عمومی در سوریه از اعضای پ.ک.ک. بودند. شیار هولدرز، الدر خلیل و الهام احمد همگی از کردهای دارای تابعیت ترکیه و اعضای پ.ک.ک. هستند که کادر فرماندهی حزب در عین‌العرب و نمایندگی آن در شورای عالی کرد را به‌عهده دارند. ردور خلیل، سخنگوی نیروهای حمایت خلق شاخه نظامی حزب، نیز سابقه یک دهه جنگ برای پ.ک.ک. را در کارنامه خود دارد.

روند مداخله مستقیم برای مهار توسعه تهدید پ.ک.ک در شمال سوریه را آغاز کرد. ترکیه در نهایت، به‌رغم مخالفت شدید آمریکا از روز ۲۴ مرداد ۱۳۹۵، عملیات نظامی سپر فرات را در خاک سوریه آغاز کرد. این کشور قبل از اجرای عملیات زمینی در سوریه، تجربه اجرای پنج عملیات زمینی علیه مواضع پ.ک.ک را در کارنامه خود داشت که تمام آنها در خاک عراق انجام شده بودند. بنابراین، ترکیه با کسب تجربه از عملیات‌های عراق، عملیات در سوریه را با تفاوت‌های زیر آغاز کرد:

۱. آغاز حمله به جای دفاع؛
۲. اجرای عملیات در سطوح تاکتیکی، عملیاتی، سیاسی و راهبردی؛
۳. ایجاد فرماندهی و کنترل متفاوت؛
۴. ایجاد سطوح تصمیم‌گیری چندگانه اعم از نیروهای مسلح، سازمان اطلاعات، وزارت خارجه و ریاست جمهوری، ریاست مدیریت فجایع و مسائل اضطراری، هلال احمر ترکیه و شهرداری‌های محلی؛
۵. توسعه فناوری و مواد مورد استفاده در عملیات؛
۶. محاسبه تأثیر راهبردی بازیگران خارجی مؤثر و بازیگران غیردولتی (۲: ۲۰۱۹، Gurcan).

جدول ۳: عملیات‌های زمینی ترکیه علیه پ.ک.ک در شمال عراق

نام عملیات	تاریخ	هم‌پیمانان	هدف
شمال سوریه	20 مهر-10 آبان 1371	حزب دموکرات و یکتی	ایجاد منطقه حائل
فولاد	29 اسفند - 15 فروردین 1374	-	پاکسازی مرزی
سپیده‌دم	3 مهر - 23 مهر 1376	حزب دموکرات	پاکسازی مرزی
چکش	22 اردیبهشت - 16 تیر 1376	حزب دموکرات	پاکسازی مرزی
خورشید	2- 10 اسفند 1386	-	پاکسازی مرزی

(Keskin, ۲۰۰۸: ۵۹-۷۲)

اردوغان روز ۲۹ شهریور ۱۳۹۵، ایجاد یک منطقه عاری از تروریسم به مساحت ۹۰۰ کیلومتر مربع در شمال سوریه را یکی از اهداف عملیات سپر فرات قلمداد کرد و از تلاش برای افزایش این محدوده با عنوان منطقه امن تا پنج هزار کیلومتر مربع سخن گفت. این عملیات که با مشارکت شاخه‌های نظامی وابسته به ارتش آزاد سوریه همراه بود، در روز ۹ فروردین ۱۳۹۶ با

تسلط بر ۲۲۲۵ کیلومتر مربع از خاک سوریه پایان یافت (۴: ۲۰۱۹، Gurcan).

ترکیه پس از اجرای عملیات سپر فرات تلاش برای سازماندهی شاخه‌های متکثر نظامی معارضان در قالب یک ارتش ملی را آغاز کرد که هدف از آن، علاوه بر ایجاد یک ساختار منسجم نظامی، مقابله با تهدید اقلیم فدرال شمال در مرزهای ترکیه و تغییر موازنه قدرت در این محدوده بود.

مسئولان نظامی و غیرنظامی دولت ترکیه روز ۲ آبان ۱۳۹۶ طی یک جلسه با اعضای دولت موقت، ائتلاف شورای معارضان و فرماندهان شاخه‌های ارتش آزاد توافق نامه‌ای امضا کردند که شامل تحویل اداره یک پارچه گذرگاه‌های مرزی ترکیه و سوریه به دولت موقت معارضان و تحویل عواید حاصل از آن به یک خزانه واحد برای اداره امور این دولت و توزیع عادلانه آن بین دولت موقت، شوراهای محلی و ارتش آزاد سوریه بود. بخش دیگری از این توافق نیز شامل ترتیبات انتقال دو مرحله‌ای مجموعه‌های نظامی به ساختار موسوم به ارتش ملی متشکل از سه سپاه «فیلق الجیش الوطنی»، «فیلق السلطان مراد» و «فیلق الجبهه الشامیه» بود که عملاً بخشی از چهار ائتلاف فعال در عملیات سپر فرات بودند و حتی نام آنها نیز تغییر نکرده بود و از سوی دولت ترکیه دستچین شده بودند (الخلیج الجدید، ۲۰۱۷).

جدول ۴: ترتیبات بازسازماندهی نظامی معارضان در قالب ارتش ملی

بازه زمانی	کنش
2 مرداد 1396	آغاز قطع تدریجی کمک‌های آمریکا به معارضان
13 مرداد 1396	طرح تشکیل ارتش ملی
8 شهریور 1396	پیشنهاد شورای اسلامی سوریه برای ادغام شاخه‌های نظامی در وزارت دفاع دولت موقت معارضان
13 شهریور 1396	تعیین وزیر دفاع و اعطای مأموریت تشکیل ارکان ارتش ملی
27 شهریور 1396	تعیین رئیس ستاد ارتش و 11 معاونت منطقه‌ای برای ارتش ملی
2 آبان 1396	تصویب ترتیبات تشکیل ارتش ملی در قالب سه سپاه
30 خرداد 1397	آغاز حمله ارتش ملی معارضان به کانتون عفرین در عملیات غصن‌الزیتون

(آزاد، ابراهیمی فر، ۱۳۹۷: ۷۶)

ترکیه در عملیات مشابهی با نام شاخه زیتون که از ۳۰ خرداد تا ۴ فروردین ۱۳۹۷ ادامه داشت، کنترل ۲۳۰۰ کیلومتر مربع از محدوده عفرین و اعزاز را نیز در اختیار گرفت. ترکیه با کسب تجربه از عملیات سپر فرات و اصلاح اشتباهات گذشته تغییراتی را در سطوح

مختلف تصمیم‌گیری، اجرای عملیات و تسلیحات اعمال کرد. بنابراین، عملیات سپر فرات در پنج مرحله انجام شد و حدود ۷ ماه به طول انجامید. اما اعمال اصلاحات باعث شد عملیات شاخه زیتون طی دو ماه خاتمه یابد.

جدول ۵: اهداف ترکیه در عملیات سپر فرات

نتیجه	اهداف
موفقیت کامل	پاکسازی داعش از 60 کیلومتر نوار مرزی بیم جرابلس و الراعی و قطع تنها دسترسی سازمان به جهان خارج با توسل به ماده 51 منشور ملل متحد
موفقیت نسبی	کنترل ارتباط زمینی بین کانتون‌های کوبانی و جزیره در شرق فرات با کانتون عفرین در غرب فرات به منظور جلوگیری از تشکیل قلمرو یک پارچه

(Gurcan, ۲۰۱۹: ۴)

جدول ۶: مراحل و زمان‌بندی انجام عملیات سپر فرات

مدت زمان	مراحل عملیات
3 روز	تصرف جرابلس
60 روز	پاکسازی 60 کیلومتر محدوده مرزی بین جرابلس و الراعی
30 روز	حرکت به عمق خاک سوریه تا سرحدات الباب
30 روز	محاصره و تصرف الباب
20 روز	عملیات ناموفق در مسیر منبج و عفرین

(Gurcan, ۲۰۱۹: ۵-۷)

جدول ۷: اهداف ترکیه در عملیات شاخه زیتون

نتیجه	اهداف
موفقیت کامل	حذف یا فراری دادن عناصر دفاع از خلق
شکست	تضعیف روابط سیاسی - نظامی نیروهای دفاع از خلق و آمریکا و سوق دادن روابط ترکیه و آمریکا از مناقشه به همکاری

(Gurcan, ۲۰۱۹: ۱۰)

جدول ۸: مراحل و زمان‌بندی انجام عملیات شاخه زیتون

مدت زمان	مراحل عملیات
55 روز	پاکسازی شمال عفرین
5 روز	درگیری در اطراف و مرکز شهر عفرین

(Gurcan, ۲۰۱۹: ۵-۷)



ترکیه و تداوم تلاش برای مهار تهدید پ.ک.ک در شمال سوریه

اردوغان روز ۲۱ آذر ۱۳۹۷ از فرارسیدن زمان از بین بردن گروه‌های تروریستی در شرق فرات خبر داد. او روز ۲۵ دی ۱۳۹۷ از عزم خود برای ایجاد یک منطقه امن در شمال سوریه سخن گفت که شامل محدوده‌ای به عمق ۳۰ تا ۳۲ کیلومتر در امتداد مرزهای سوریه و ترکیه از جرابلس تا مرزهای عراق بود. به نظر می‌رسد ترکیه عملیات زمینی برای ایجاد منطقه امن در شمال سوریه را با توجه به نقاط ضعف دو عملیات زمینی سپر فرات و شاخه زیتون و اصلاح آنها در عملیات چشمه صلح اجرا کرد. در حال حاضر (اواخر سال ۱۴۰۱)، مناطق مذکور هنوز در اشغال ترکیه است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

ترکیه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در سال‌های اخیر با خوانشی جدید از تصویرسازی ژئوپلیتیکی، در صدد کنشگری جدید در منطقه غرب آسیا، به‌ویژه سوریه است که عناصر آن شامل: هویت، تاریخ، قلمروسازی/زدایی، دولت - ملت‌سازی، امنیت و منافع ملی، عثمانی‌گرایی جدید، غیریت‌سازی و برندسازی ژئوپلیتیک است.

جدول ۹: کنشگری منطقه‌ای و ملی ترکیه

منطقه‌ای	ملی
<ul style="list-style-type: none"> - شکست در ساختارهای ژئوپلیتیک - نئوعثمانی‌گرایی (ابعاد ژئوپلیتیکی) - کنش هویتی در میان اقلیت ترک در سوریه و عراق - تولید فضا - بسط ژئوپلیتیکی و قلمروخواهی - تقابل با کارگزاران ژئوپلیتیک - اشاعه مدل حکمرانی ترکی در خاورمیانه 	<ul style="list-style-type: none"> - بازتعریف میراث هویتی آتاترک - استقلال سرزمینی (بلندمدت) - سازه سرزمین ملی ترک‌ها در ترکیه - هژمونی حزبی، حزب عدالت و توسعه در ترکیه در برابر احزاب دیگر ترکیه

جدول ۱۰: مدل برندسازی ژئوپلیتیک ترکیه

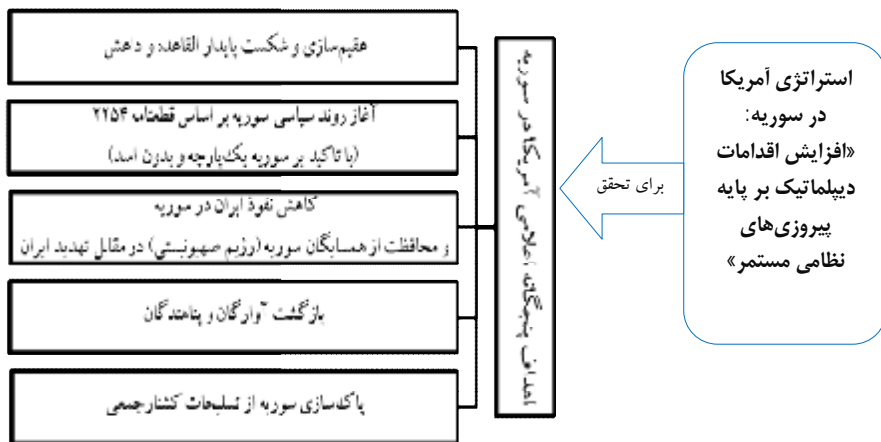
هویت برند	اجرا	کارکرد
<ul style="list-style-type: none"> - چشم‌انداز (مام میهن ترک‌های جهان) - ارزش‌ها (تاریخ، هویت، زبان و نژاد) - نمادها (پرچم، سرود و...) - اشخاص برند (اردوغان) - تصویرسازی از دشمن (تعارض با میدان‌ها) - ادعای قلمرویی (مناطق منفک‌شده از عثمانی و...) 	<ul style="list-style-type: none"> - ساختار حکمرانی (جمهوریت نو) - قدرت نظامی - منابع (انرژی، آب و گاز) - ابزارهای ارتباطاتی (ماهواره، مطبوعات و دیاسپورای ترک در اروپا) 	<ul style="list-style-type: none"> - بسیج حامیان و متحدان (پان ترکیسم و جهان سنی) - مرعوب کردن رقبا

جدول ۱۱: عوامل تأثیرگذار در کدهای ژئوپلیتیکی کردهای سوریه

بین‌المللی	منطقه‌ای	ملی	محلی
- کسب حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌عنوان یک جبهه غیراسلامی	- تعامل با ساختارهای ژئوپلیتیک ترک/عرب	- فدرالیسم یا کنفدرالیسم دموکراتیک (کوتاه‌مدت)	- هژمونی حزبی در تقابل با احزاب کرد مرتبط با بارزانی و قبایل بدوی عرب
- کسب حمایت اتحادیه اروپا به‌عنوان اپوزیسیون سکولار نظام سوریه	- ناسیونالیسم فرهنگی کردها	- استقلال (بلندمدت)	- عوامل نمادین فرهنگی کردها
- استفاده حداکثری از دیاسپورای کرد در غرب	- گفتمان ژئوپلیتیک (از تورووس تا زاگرس)	- بسط ژئوپلیتیک و اتصال سه کانون جزیره، کوبانی و عافرین به یکدیگر	- نضج قدرت اندیشه‌ای و قدرت مادی کردها
	- تولید فضا	- سازه قلمرویی کردها در شمال سوریه	- جذب قبایل عرب در مناطق عرب/کردنشین

آمریکا اهداف اعلامی پنج‌گانه‌ای را در سوریه تعیین کرده است که دو مورد از این اهداف، به‌طور مشخص در تعارض با اهداف جمهوری اسلامی ایران در سوریه قرار دارد: آغاز روند سیاسی بر اساس قطعنامه ۲۲۵۴ و کاهش نفوذ ایران در سوریه. بر اساس خوانش آمریکایی از روند سیاسی در سوریه، آینده مطلوب در این کشور آینده‌ای است که بشار اسد از قدرت کناره‌گیری کرده و جای خود را به یک ساختار یا کارگزار همسو با غرب داده باشد. در صورت تحقق این سناریو، سوریه ضمن خروج از محور مقاومت و اتحاد راهبردی با ایران، به روند سازش با رژیم صهیونیستی خواهد پیوست. همچنین آمریکایی‌ها به‌دنبال به شکست کشاندن «راهبرد دست بلند جمهوری اسلامی ایران در منطقه» هستند. این راهبرد تحقق هدف «عمق‌بخشی به انقلاب اسلامی در محیط منطقه‌ای» را دنبال می‌کند. از این رو، در شرایطی که سوریه بحران امنیتی سنگینی را پشت سر گذاشته و خطر سقوط نظام سوریه از طریق جنگ داخلی رفع شده است، آمریکا و رژیم صهیونیستی از تداوم حضور جمهوری اسلامی ایران در سوریه نگران هستند. حملات صهیونیست‌ها به مواضع و پایگاه‌های ایران در سوریه، هشدارهایی پی‌درپی و روشن برای پایان دادن حضور نظامی ایران در سوریه در دوران پساداعش است.





آمریکایی‌ها برای تحقق اهداف پنج‌گانه فوق، راهبرد «افزایش اقدامات دیپلماتیک بر پایه پیروزی‌های نظامی مستمر» را برگزیده‌اند. از آنجا که میز مذاکره و میدان دیپلماسی، امتداد میدان جنگ است، آمریکایی‌ها به دنبال نقد کردن دستاوردهای نظامی در عرصه سیاسی و تبدیل دستاوردهای نظامی به دستاوردهای سیاسی هستند. بنابراین، بر اساس اعلام وزیر خارجه سابق آمریکا، راهبرد آمریکا در سوریه یک راهبرد جنگ‌محور است. اما آمریکایی‌ها برای اجرای موفقیت‌آمیز راهبرد خود با مشکلات و چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند:

- در مورد راهبرد جنگ‌محور اعلام‌شده توسط وزیر خارجه سابق آمریکا، اختلاف نظر زیادی در آمریکا وجود دارد؛ به نحوی که ترامپ اعلام کرد حاضر به پرداخت هزینه‌های حضور نظامی آمریکا در سوریه نیست و ادامه این راهبرد را به پرداخت هزینه‌ها از سوی سایر اعضای ائتلاف به‌ویژه عربستان سعودی مشروط کرد؛

- آمریکایی‌ها در نبردهای نامتقارن به شدت آسیب‌پذیرند و در این جنگ‌ها، به تنهایی و در روی زمین قادر به کسب پیروزی نیستند. هرگونه دستاورد نظامی مستلزم هم‌پیمانی گروه‌های جدیدی مشابه نیروهای کرد است که در شرایط کنونی، چنین نیروهایی وجود خارجی ندارند؛

- آمریکا برای تحقق هدف کاهش نفوذ ایران در سوریه به ظرفیت‌های سایر بازیگران امید بسته است؛ زیرا با ظرفیت نظامی محدود خود، قادر به تغییر رفتار و محدود کردن ایران در سوریه نیست. آمریکا امیدوار است اقدامات تنش‌زای رژیم صهیونیستی از طریق حملات نظامی علیه مواضع و پایگاه‌های ایران در سوریه و اقدامات سیاسی روسیه و سوریه

به منظور کاهش تنش، شرایط را به گونه‌ای رقم بزنند که رفتار ایران در سوریه «آنکادره» شود؛
- سطح کمی و کیفی نیروهای نظامی آمریکایی و جغرافیای حضور و نقش آفرینی آنها در سوریه با اهداف پنج‌گانه مورد نظر آمریکا تناسب ندارد؛

- نقش و نفوذ آمریکا در روند سیاسی سوریه کاهش چشمگیری داشته است و در این عرصه ایران، روسیه و ترکیه میدان‌داری می‌کنند؛

- آمریکا به لحاظ نظامی و عملیاتی صرفاً بر تحقق هدف اول (شکست داعش) و حضور در جغرافیای آزادشده از اشغال داعش با اتکا به نیروهای هم‌پیمان کرد متمرکز شده است و جای پای در سایر مناطق سوریه برای اجرای راهبرد جنگ‌محور خود ندارد.

نتیجه‌گیری

آمریکا با اهدافی که برای خود تعیین کرده است، در بحران سوریه بخش‌هایی از خاک این کشور را اشغال و در دوران پساداعش حضور کمی خود را در سوریه کاهش داده است و به استخدام نیروهای نیابتی روی آورده است. نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) - که بخش اعظم آن، کردهای سوری هستند که در خلال بحران، کانتون‌های خودگردان را در شمال سوریه تشکیل داده بودند - همان نیروهای نیابتی آمریکا هستند که با اشغال کانتون‌های کردی توسط ترکیه، در مناطق وسیعی از شمال شرق سوریه تا جنوب در نقطه مرزی تنف تحت حمایت آمریکایی‌ها به سر می‌برند. در سال ۱۴۰۱ برای اولین بار، ایالات متحده بودجه رسمی برای آنان در نظر گرفت. نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) و حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) مناطقی از جمله استان‌های «رقه» و «حسکه» و نیز بخش‌هایی از استان «دیرالزور» را کنترل می‌کنند. این محدوده شامل مناطق دارای نفت، گاز و مزارع گندم در سوریه است. حضور کردها در شرق و شمال شرق سوریه سبب شده است که برای ایجاد مناطق خودگردان در سوریه تحت حمایت آمریکا تلاش کنند. این امر سبب تعمیق شکاف اجتماعی کردی - عربی در سوریه خواهد شد.

از سوی دیگر، ترکیه با توجه به قلمرو سرزمینی و نگرش خصمانه نسبت به اقلیم خودمختار توسط کردها در صدد قلمروخواهی و تشکیل مناطق حائل در شمال سوریه است. هرگونه قلمروخواهی کردها در سوریه، خط قرمز ترکیه است. علاوه بر این، حتی یک حاکمیت متمرکز قدرتمند عربی در این کشور می‌تواند چالش امنیتی آینده ترکیه باشد. بنابراین، مدل امنیتی و سیاسی ترک‌ها برای آینده سوریه مبتنی بر سرکوب کردها و عدم اقتدار دولت مرکزی سوریه

است. ورود ترک‌ها به قلمرو کشور سوریه یک ساختار شبه‌امپریال منطقه‌ای را به ذهن متبادر می‌سازد. این ساختار با تلفیق قدرت نرم - سخت‌افزاری ترک‌ها در منطقه قابل مشاهده است. از طرف دیگر، نوع‌مانی‌گرایی با تأکید بر تقلیل‌گرایش‌های کمالیستی - سکولاریستی، به‌دنبال سیاست خارجی پویا، در قالب قدرت نرم با هدف نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در کشورهای سابق امپراتوری عثمانی، به‌ویژه سوریه است.

با این وصف می‌توان گفت آمریکا برای بسط هژمونیک خود در منطقه غرب آسیا، سوریه را بستری مناسب برای حضور نظامی دیده است. مضاف بر اینکه در تأمین امنیت رژیم صهیونیستی نیز می‌تواند مسلط‌تر باشد. لذا کردهای سوریه را ابزار مناسبی برای نیل به اهداف خود می‌داند. از سوی دیگر، کردها خطر امنیت ملی برای ترکیه محسوب می‌شوند. در همین راستا، ترکیه شمال سوریه را اشغال کرده است. کردها با هدایت آمریکایی‌ها از شمال شرق تا جنوب این کشور گسترش یافته‌اند. در چشم‌انداز افق امنیتی سوریه می‌توان بیان کرد که کردها ابزار دست آمریکایی‌ها برای بسط هژمونیک این کشور در غرب آسیا هستند. از سوی دیگر، کردهای مذکور بهانه اشغال شمال سوریه توسط ترکیه‌اند. حضور نظامی آمریکا با نیروی نیابتی کردپایه، استمرار اشغال نظامی شمال سوریه توسط ترک‌ها را بالا می‌برد؛ مضاف بر اینکه حاکمیت نظام سوریه بر شرق این کشور را زیر سؤال خواهد برد.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- آزاد، امیرحامد و طاهره ابراهیمی فر (۱۳۹۷)، «تأثیر کنش شبه‌نظامیان شمال سوریه بر نظم سیاسی کشور در دوره پسداداش»، فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست جهانی، دوره هفتم، ش اول، گیلان: دانشگاه گیلان.
- سنایی، اردشیر و امیرحامد آزاد (۱۳۹۵)، «تشکیل خودمدیریتی دموکراتیک در کردستان غربی (روژاوا) و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، س ۲۳، ش ۸۴، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات راهبردی خاورمیانه.

ب) منابع عربی

- ملارشید، بدر (۲۰۱۷)، البنى العسكرية والأمنية في مناطق الإدارة الذاتية، اسطنبول، مركز عمران للدراسات الاستراتيجية.

ج) منابع انگلیسی

- Clawson, Patrick (۲۰۱۶), Syrian Kurds as a U.S. Ally: Cooperation and Complications, Policy Focus ۱۵۰, the Washington Institute for Near East Policy, http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PolicyFocus150_Clawson.pdf
- Department OF Defense Budget Fiscal Year (۲۰۲۲) Defense Office OF the Secretary OF euaa (۲۰۲۲) Syria: Targeting of Individuals, Country of Origin Information Report: https://euaa.europa.eu/sites/default/files/publications/2022-09/2022_09_COI_Report_Syria_/20Targeting/20of/20Individuals_EN.pdf
- Gurcan. Metin (۲۰۱۹), Assessing the Post-July ۱۵ Turkish Military. Policy Notes ۵۹. The Washington Institute For Near East Policy. <https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PolicyNote59-Gurcan.pdf>
- Keskin, Funda (۲۰۰۸), Turkey's Trans-Border Operations in Northern Iraq: Before And after the Invasion of Iraq. Research Journal of International Studies - Issue ۸. International Relations Department, University of Ankara Cebeci, Ankara, Turkey. [https:// pdfs](https://pdfs).
- Middle East Report N°۱۳۶(۲۰۱۳), Syria's Kurds: a Struggle within a Struggle <http://www.crisisgroup.org/~media/Files/Middle/20East/20North/20Africa/Iraq/20Syria/20Lebanon/Syria/136-syrias-kurds-a-struggle-within-a-struggle.pdf>
- Samir Aita (۲۰۱۴), editor- in- chief of the Arabic edition of Le Monde



افق حزب‌الدعوه در آینده سیاسی عراق پس از سال ۲۰۲۰

محمدباقر حکیم^۱

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و سوم، شماره ۳، پیاپی ۹۱، پاییز ۱۴۰۱؛ صفحات ۷۹ - ۵۳

تاریخ پذیرش نهایی: 1401/08/27

تاریخ دریافت: 1401/08/10

چکیده

استقرار حکومت عراق پس از سال ۱۳۸۱ و قدرت گرفتن شیعیان در نقطه مرکزی حکومت، ساختار جدیدی را در حوزه سیاسی عراق پدید آورد؛ به طوری که این ساختار مورد حمایت و مخالفت برخی گروه‌های داخلی و خارجی قرار گرفت. قدرت گرفتن شیعیان به عنوان نقطه محوری ساختار سیاسی نوین عراق در کنار اهل سنت و کردها در این کشور، پیامدهای مختلفی برای عراق داشت. این پیامدها در برهه‌های مختلف زمانی، با خون، اشغال کشور و خشونت‌های بسیار زیادی همراه بود. بعد از قدرت گرفتن شیعه، گروه‌های سیاسی حزب‌الدعوه، مجلس اعلی و جریان صدر، یعنی مهم‌ترین گروه‌های سیاسی شیعه در ساختار جدید عراق نقش فعالی ایفا کردند. در این بین، حزب‌الدعوه مهم‌ترین نقش را در آن برهه تاریخی به عهده داشت؛ به طوری که ابراهیم جعفری، نوری مالکی، حیدر العبادی و محمد شیاع سودانی به این گروه (حزب‌الدعوه) وابسته بودند و در سال‌های مختلف به عنوان شخص اول حکومت عراق حضور داشته و تأثیر زیادی در حوزه سیاسی عراق داشتند. موضوع اصلی پژوهش حاضر، «بررسی نقش حزب‌الدعوه و آینده این گروه در ساختار سیاسی عراق» است. در این پژوهش تلاش شده است تا حزب‌الدعوه از زمان تأسیس تا رسیدن به قدرت و آینده آن با توجه با نقاط قوت و ضعف بررسی شود.

واژگان کلیدی

حزب‌الدعوه، احزاب شیعه، نخست‌وزیری، عراق